



۲۰۱۳/۰۱/۱۲



جلیل غنی

نفوذ ایران و پاکستان در افغانستان

ضعف دولت افغانستان از همان آغاز تشکیل حکومت مؤقت در دوازده سال قبل مشهود بود و به همین دلیل بود که بیش از چهل کشور جهان با تشکیل ائتلافی برای دفاع از این کشور و جلوگیری از سقوط حکومت نو بنیاد قوا فرستادند و برای بار اول پیمان نظامی ناتو در خارج از حیطه صلاحیت ها و حوزه نفوذش در عملیات نظامی برای سرکوبی دهشت افکنان القاعده و مؤلفین آن عمدتاً طالبان سهم فعال و محاروبی گرفت. و انتظار میرفت که با تشکیل اردو و پولیس ملی و سائر انواع قوای امنیتی، افغانستان بتواند به پای خود به ایستد و از تمامیت ارضی و استقلال و حاکمیت ملی دفاع نماید.

ولی با گذشت بیش از ده سال هنوز هم افغانستان نه تنها محتاج حمایت نظامی برای دفاع از خود است بلکه برای دفاع از ارزش های ملی و فرهنگی هم نا توانتر از آنست که تصور شده میتوانست. قوای خارجی در افغانستان با تعهداتی که از آغاز در کنفرانس بن و بعداً در کنفرانس های متعدد دیگر در توکیو و شیکاگو و برلین و کنفرانس دوم در بن دایر شد هر گونه مساعدت را برای دفاع از افغانستان مجدداً تعهد کردند.

اما هر وعده و تعهد همانطوریکه آغازی دارد انجامی نیز در پی دارد و ابدی بوده نمیتواند چنانچه یکتعداد از کشور های کمک کننده قوای شانرا از افغانستان خارج نمودند و برخی دیگر در جریان خروج قوا از افغانستان هستند. فکر میشود و دولت افغانستان هم ادعا دارد که با قوای تقریباً سه و صد و پنجاه هزار نفری امنیتی میتواند امنیت کشور را تأمین نماید و طبق آماری که از طرف حکومت افغانستان و آیساف در افغانستان داده شده هم اکنون مسئولیت های امنیتی هفتاد و پنج در صد کشور بدوش قوای امنیتی افغانستان است. اینکه تا چه حد قوای امنیتی توانائی دارد و تا چه حد قوای امنیتی موفق است تعلق میگیرد به متخصصین و مفسرین و تحلیل گران نظامی که از نزدیک اوضاع را تحت نظارت دارند و آنچه درین مختصر در نظر است بر رسی مختصری از نقش حکومت در جلوگیری از نفوذ و تهاجمات گوناگون کشور های دیگر مخصوصاً همسایگان افغانستان است.

شکی نیست با موقعیت جغرافیائی که افغانستان دارد در بسیاری موارد محتاج همسایگان است از قبیل راه های تجارتي، نقل و انتقالات، مناسبات نیک همسایگی، مواد غذائی، کالا و امتعه دیگر و غله جات و غیره و غیره. و هم شکی نیست که هر یک از این همسایگان علاقمندی های جداگانه در افغانستان دارند و در پی منافع مشخص خود شان هستند و هر کشوری در جهان کوچک امروز حق دارد که نگرانی های مشروعی در کشور همجواری داشته باشد ولی نه اینکه در پی منافی باشد که تجاوز به حریم فرهنگی، قانونی، مذهبی، اجتماعی، ارضی و عقیدتی کشور دیگر باشد.

همه میدانند که افغانستان با دو همسایه اش، ایران و پاکستان، مشکلاتی دارد و باید با هر دو کشور بسازد تا در صلح و آرامش زندگی کند ولی به چه بهائی؟ آیا با بهای از دست دادن ارزش های فرهنگی و سکوت مطلق در برابر تهاجمات گوناگون آنها؟ ما شاهد راکت بارانهای پاکستان بر کنر و خاموشی دوامدار حکومت بوده ایم که دران ده ها طفل و زن و مرد بیگناه افغان قربانی شدند ولی عکس العمل حکومت در حد نکوهش و محکوم نمودن این حملات محدود ماند تا مبادا « برادران! » نا راض گردند.

همچنان نفوذ فرهنگی پاکستان در ولایت های همجوار بحدی است که حتی پول رایج افغانی در بازار های این ولایات چلند ندارد و همه داد و ستد ها با روپیه پاکستانی است. بگذریم از نشرات رادیوی و تلویزیونی که چه

مستقیماً از پاکستان برای آن مناطق پخش میشود و چه نشرات محلی که هیچگونه تفاوتی با نشرات پاکستانی ندارد.

با سر زدن به ولایات همسرحد با ایران، نیمروز و فراه و هرات، احساس میشود که این ولایات جزئی از قلمرو ایران باشند چون نه تنها اینکه تمام بازار های از امتعه ایرانی مملوست بلکه لوحه های دکانهها، اصطلاحات زبان و لهجه فارسی ایرانی، فرهنگ و لباس ایرانی این برداشت را میدهد که در یکی از مستملکات ایران هستید. نشرات تلویزیونهای ایرانی مستقیماً از کیبل های تلویزیونی و یا ستلایتهای نشراتی پخش میبود. هشتاد در صد آهنگ های که از دستگاه های رادیو های محلی پخش میشود ایرانی است. تأسف بار تر اینکه دولت افغانستان نه تنها هیچگونه برنامه برای مقابله با چنین نشرات ندارد بلکه حتی نطقان محلی رادیو و تلویزیون ملی هم لهجه اصیل افغانی ندارند و همان اصطلاحات و کلمات و لهجه مروج فارسی ایران را بکار میبرند.

اعیاد و مراسم مذهبی ایران در این سه ولایت با همان ترتیب و تنظیمی که در ایران بر گزار میگردد، تجلیل میشود چه عاشوراست و چه نور روز و چه بزرگداشت از شخصیت های مذهبی و ملی. نمونه بارز آن تجلیل از سی و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران است که در افغانستان نیز با شکوهرت از هر سال دیگر پخش گردید. بیست و پنج خبر نگار و گرداننده شبکه های عمده خبر رسانی به ایران برده شدند تا این مراسم را هر چه مفصلتر و با شکوهرت در رسانه های افغانستان پخش کنند. معلوم نیست که این گردانندگان و کارمندان این رسانه ها به اجازه وزارت خارجه و اطلاعات رفته اند و یا اینکه سفارت ایران آنها را اطلاع داده که شما دعوت شده اید چنانچه یکی از این دعوت شدگان گفت «یکروز قبل بما سفارت ایران اطلاع داد که شما برای پوشش خبری از مراسم تجلیل بیست و چهارمین سالگرد انقلاب اسلامی به ایران میروید.»

جالب تر اینکه ایرانی ها به این هم تکتفا نکردند و این مراسم را در شهرک جبرئیل در غرب هرات بر گزار کردند جائیکه اکثریت اهل تشیع و هزاره ها در آن در زمانیکه سید حسین انوری والی هرات بود جای داده شدند و به کمک ایران شهرکی با کتابخانه مجهز و سائر تسهیلات ساخته شد. مامورین قونسلگری ایران مراسمی را در آن جا در بزرگداشت از این روز بر گزار کردند بدون اینکه با ساکنان محلی آن محل تماسی گرفته باشند و میگویند که با تأیید مقامات محلی بوده است. معلوم نیست که این مقامات کی ها بوده اند و آیا والی و قوماندان امنیه و آمر امنیت هم موافقت کرده اند یا خیر. دست زدن به چنین فعالیت های مغایر تمام موازین دیپلوماسی است زیرا بدون اجازه وزارت خارجه افغانستان هیچ یکی از سفارت ها و شعبات قونسلگری حق تدویر مراسمی از این نوع را ندارند. این اقدام قونسلگری ایران در هرات موجب اعتراض باشندگان جبرئیل گردید و از حکومت خواستند که جلو مداخلات سیاسی و فرهنگی ایران را بگیرد.

دولت افغانستان مخصوصاً وزارت اطلاعات فرهنگ بحیث حافظ میراثها و ارزشهای فرهنگی باید برای جلوگیری از تهاجمات مزید فرهنگی دست بکار شود و مخصوصاً برای جلوگیری از نفوذ بیگانگان در زبان های ملی افغانستان، پشتو و دری، که آماج اینگونه تهاجمات قرار گرفته و اصالت آن به نحو روز افزونی تحت تهدید قرار میگیرد اقداماتی را عملی نماید.

ایران و پاکستان هر دو همسایه در دوران تهاجم اتحاد شوروی سابقه بر افغانستان و حکمرانی دولت طرفدار شوروی سابق، سرمایه گذاری های بر ملت افغانستان نمودند و با جای دادن پنج ملیون مهاجر افغان در خاکهای شان هم ملت افغانستان را مدیون شان می پندارند و هم دولت را اما طی همین مدت بیشترین منفعت را از مصیبت افغانستان همین دو کشور بردند مخصوصاً پاکستان که سیل سلاح عصری و پول فراوان بنام ملت افغانستان به این کشور سرازیر شد و این کشور را از افلاس نجات داد تا همین اکنون هم بنام ملت افغانستان امتیاز میگیرد. مگر این دولت افغانستان است که باز هم در برابرخواسته های این دو کشور سر تسلیم فرو می آورد. ایکاش همسایگان افغانستان دوستان صادقی میبودند تا هر سه کشور بحیث سه برادر در صلح و صفا و اخوت زندگی میکردند ولی آبهای زیر زمینی و دریا و منابع زیر زمینی سرشار افغانستان، آرزو و حرص همسایگان را تحریک کرده و با ظاهر دوستانه و باطنی کینه توزانه بر این کشور جنگ زده و ویران مینگردند و هنوز هم به طمع بهره کشی از آن هستند.

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

بر تواضع های دشمن تکیه کردن ابله‌ی است
پای بوس آب از پا افگند دیوار را

پایان

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ